

شهید سیدهاشم بحر العلوم



نام پدر	سیدجواد
تاریخ تولد	۱۳۳۵/۰۱/۰۳
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۵۹/۰۷/۲۲
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسدار کمیته
شغل	پاسدار کمیته
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	مفقود

زندگینامه

زندگینامه شهید

خلاصه ای از زندگینامه ی جاوید الاثر سید محمد هاشم بحر العلوم

گرچه مفقود الاثر بی مزاران جهانند

بی نشان گمنام مشهور ملک در آسمانند

بسم الله الرحمن الرحيم

سید محمد هاشم فرزند سید جواد در سال ۱۳۳۵ در خانواده ای مذهبی و روحانی در روستای سربست از توابع سعدآباد دشتستان دیده به جهان گشود وی از همان کودکی علاقه خاصی به فراگیری علوم قرآنی و مکتب خانه داشت و همین عشق به قرآن و عترت او را روانه مکتبخانه نمود تا قبل از هر چیز قرآن را بیاموزد و در سن شش سالگی برای فراگیری علوم جدید در دبستان محمدی روستای محل زندگی نام نویسی کرد و تا کلاس پنجم در آن مدرسه به ادامه تحصیل پرداخت وی دوره ی راهنمایی را در آموزشگاه پرویزی برازجان سپری نمود وی در بین همکلاسیهای خود بسیار خوش اخلاق و خوش رفتار بود، اخلاق او مورد تحسین کلیه دانش آموزان و دبیران و مسئولین مدارس بود وی دوره دبیرستان فردوسی (سابق) طالقانی شروع کرد که در این زمان مصادف شد با مبارزات گسترده ملت ایران بر علیه رژیم شاهنشاهی پهلوی ایشان هم درس و مدرسه را رها کرد و همدوش با ملت قهرمان دشتستان در راهپیمائی ها شرکت نمود. ایشان در طول دوران عمر کوتاهش هر وقت فرصتی می یافت در کنار پدر به کارهای کشاورزی می پرداخت تا بتواند هزینه امرار معاش خانواده و تحصیل خود را فراهم نماید و از خصوصیات بارز وی این که هیچ وقت تبسم و خنده از چهره او دور نمی شد و گاهی نشد که حتی یک پسر بچه کوچک هم بتواند در سلام کردن از او پیشی بگیرد نامبرده در انجام فرائض دینی بسیار کوشا بود مشاهده نشد که یک لحظه نماز را به تأخیر بیندازد و همین ویژگیها موجب گردید که با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی برای حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی به استخدام نهاد مقدس کمیته انقلاب اسلامی در بیاید و شب و روز در این نهاد مقدس با دیگر پاسداران جان بر کف کمیته به پاسداری از انقلاب و خون شهیدان بپردازد و با شروع توطئه های منافقین و گروهک های الحادی در جای جای کشور اسلامی بر ضد نظام مقدس و همچنین جنگ تحمیلی عراق علیه کشور عزیزمان ایران در تاریخ ۱۷/۹/۵۹ درست دو ماه پس از شروع جنگ همراه با برادران پاسدار کمیته برازجان استان اولین

گروهی بودند که از دشتستان با بدرقه پر شور مردم رهسپار نبرد با دشمنان بعثی گردید و با رشادتهای خود دشمن را روزها در پشت دیوارهای خرمشهر زمینگیر کردند و مانع شدند که دشمن به راحتی وارد این شهر شوند و سرانجام پس از رشادتهای فراوان و دلاوریهای بسیار در خونین شهر شهر خون و قیام مفقود گردید و دیگر اثری از او پیدا نشد

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

خاطرات

ویژگیهای شهید از زبان خانواده

از قبل از تولد ایشان خاطره خاصی به یاد ندارم فقط از خداوند می خواستم که فرزندی به من عطا کند که سالم باشد و در آینده فردی مفید برای جامعه باشد و خداوند هم فرزندی سالم به من مرحمت فرمود . برای نامگذاری او پدرش چون از سادات جلیل القدر بود اسم او را سید هاشم گذاشت . در تربیت فرزندانم بسیار توجه داشتم شبانه روز از آنان غافل نمی شدم در دوران کودکی به او نماز را آموختم و سپس راهی مکتب خانه شد و تمام قرآن را فرا گرفت و سپس به مدرسه محل رفت و تا کلاس پنجم در آنجا بود زمانیکه او به مدرسه می رفت تا موقعی که دیپلم خود را در برازجان گرفت حتی یک بار هم از او شکایت نکردند در شش ماه مرتب می خواند نمازش را به موقع انجام می داد معلمان و اولیا^۱ مدرسه از او بسیار راضی بودند در مراسمات مذهبی شرکت می کرد به اهل عصمت و طهارت عشق می ورزید در راهپیمائیهامان انقلاب شرکت داشت و چگونگی وقوع آن را برای ما تعریف می کرد . او در ایام کوتاه عمرش به پدر و مادرش احترام می گذاشت حتی یک بار هم به ما بی احترامی نکرد . قرآن را بسیار زیبا تلاوت می کرد به ادعیه ها توسل می جست . چندین بار به زیارت قبر امام هستم علی بن موسی الرضا به مشهد مقدس رفت . از اخلاق و رفتار او هر چه آگویید کم است . در سلام کردن کسی از او پیشی نمی گرفت بسیار خوش رو بودند و تبسم خاصی بر لب داشتند . در اوائل وقتی خبر مفقود شدن او را برای ما آوردند بسیار متأثر شدیم چون جای او در خانه پیدا بود کم کم با تمسک به قرآن و به یاد آوردن مصائب و گرفتاریهای امام حسین در روز عاشورا ما هم تحمل کردیم و الان از مسئولین می خواهیم که نگذارند انقلاب به دست نا اهلان بیفتد چون این شهیدان برای دفاع از مملکت و ناموس کشور به جبهه رفتند آنان به جبهه رفتند تا اسلام زنده باشد و ما مدیون خون شهدا هستیم

.....

ویژگیهای شهید از زبان دوستان و آشنایان

من ایشان را از کودکی می شناختم با هم همبازی بودیم بیشتر اوقات به علت همسایه بودن با هم بودیم در همان دوران کودکی بسیار خوشرو بودند و گاهی اخم نمی کردند همه از او به خوبی یاد می کنند نمازش با جماعت در مسجد بود و حتی به یاد نداریم که مراسمی برگزار شود و او شرکت نکند . به اهل بیت و طهارت عشق می ورزید در ایام محرم و صفر به عزاداری می پرداخت و در مجالس روضه خوانی شرکت می کرد . از اخلاق بسیار خوبی برخوردار بود بخصوص به کودکان علاقه خاصی داشت و گاهی می شد اگر یک بچه کوچک را در کوچه می دید دقایقی را با آنان به بازی کردن می پرداخت و آنان را شاد می کرد . در زندگی بسیار ساده بود گاهی نشد تحملات زندگی چشم او را بگیرد از در آمد کمی که از راه کارگری بدست می آورد به فقرا و مستمندان کمک می کرد با دوستان و نزدیکان بسیار صمیمی بود آن طوری که قلم از وصف آن کوتاه است دوست دار ولایت بود همان گونه که با پیروزی انقلاب اسلامی به خدمت کمیته انقلاب اسلامی در آمد صرفاً جهت حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب اسلامی به امام عشق می ورزید آنگونه که در همه حال مطیع و پیرو او بود ، دوست داشت روی پرچم جمهوری

در سراسر گیتی به اهتزاز در آید و ندای لاله الله با ظهور مهدی صاحب الزمان سراسر جهان را فرا گیرد و دست ابرقدرتهای شرق و غرب از سر مظلومان کوتاه شود . در زمان کوتاهی که در کمیته خدمت می کرد باها با گروههای الحادی و منافقین به زد و خورد می پرداخت از آنان به خاطر مخالفت با امام و نظام مقدس جمهوری اسلامی نفرت داشت .

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون

سلام و درود بی پایان خدا بر راست قامتان جاودانه تاریخ که در لبیک به ندای «هل من ناصر» روح خدا خدا جامه سبز خود را به سرخی خون پاک خود متبرک ساخته و از ایثار جان شیرین خویش برای دفاع از حریم دین و سربلندی میهن دریغ نکردند. سلام و درود بی پایان خدا بر عاشقان دلسوخته ای که پیش از هجرت پیر جماران مالک گونه به یاری علی زمانه شتافتند و لحظه ای در پیمان خود شک نکرده و از راه نشستند و سرانجام لبهای همیشه تشنه آنان به باده وصل یار آشنا گردید.

اکنون شمه ای از آثار زندگانی و رفتار اخلاقی سید هاشم بحر العلوم می پردازیم.

سردار جاوید الاثر سید هاشم بحر العلوم در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده مذهبی از تبار فاطمه زهرا در روستای سربست چشم به جهان گشود که پس از پشت سر گذراندن دوران کودکی در سن ۶ سالگی در روستای سربست دبستان محمدی شروع به تحصیل گردید و دوران ابتدایی را در همین روستا گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به برازجان عزیمت نمودند و در مدرسه ارشاد این زمان یعنی مدرسه پرویزی سابق ثبت نام نمود و از کلاس اول تا سوم را در این مدرسه ادامه تحصیل داد و سه سال مقطع راهنمایی را به طور موفقیت آمیز گذراند در این دوره او با عده ای از بچه های محل با هم در شهر برازجان و در یک منزل به سر می بردند از جمله سید محمود بحر العلوم، حسین زارع، سید سعادت موسوی و عده ای از بچه های دیگر که مدت چند سال با هم بودند و همگی از اخلاق و رفتار سید محمد هاشم تعریف و تمجید می کردند و اظهار می دارند که در این ایام هیچگونه خلاف یا رفتار غیر اسلامی از وی ندیدیم و همیشه پیرو احکام اسلامی و دینی و دنباله رو اهل بیت و عصمت و طهارت بودند و نسبت به آموزگاران خود احترام خاصی قائل بود که همیشه مورد تشویق از طرف مدرسه قرار می گرفت و فردی متین و کوچ نفس بود هیچ وقت نسبت به پدر یا مادر یا برادر خود کوچکترین بی احترامی نمی کردند. پس از اتمام دوران تحصیل در مقطع راهنمای برای ادامه تحصیل به مدرسه طالقانی در شهر برازجان مرجعه و ثبت نام نمودند و سال اول را به پایان رسانید و در سال دوم دبیرستان در رشته تجربی درس می خواند از طرف رژیم سابق دستور آمد که متولدین سال ۱۳۳۵ باید از مدرسه اخراج نمایند و ایشان با عده ای از دوستانش که در این سن بودند یک سال از مدرسه عقب افتادند و اما سال بعد این دستور لغو و دوباره ادامه تحصیل دادند و این دو سال هم را با موفقیت پشت سر گذاشتند و به اخذ دیپلم نائل آمدند و بعد از اتمام دوران تحصیل به خدمت مقدس سربازی اعزام گردید که با آقای مشهدی حسم محمدی با هم در یک روز از برازجان به کرمان اعزام شدند و پس از پایان خدمت سربازی به وطن بازگشت و مدتی مشغول به شغل آزاد بود و به پدرش در امر کار کشاورزی هم کمک می کرد و در همین زمان بود که آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی آغاز گردید و ایشان در تمام مراسمات راهپیمایی ها بر علیه رژیم سفاک پهلوی شرکت می نمودند و تا این حد که دوستان خود را هم وادار می کرد که در راهپیمایی شرکت نمایند و همچنین در تمام مراسمات مذهبی که در مسجد برگزار می شد شرکت فعال می نمود و همیشه

مشوقی برای دیگر دوستان خود بودند تا اینکه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و نظام حکومت و هزار و پانصد ساله شاهنشاهی برچیده شو و امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرمان تشکیل کمیته انقلاب اسلامی را دادند و این نهاد مقدس در آن دوران حساس تشکیل گردید و نامبرده با آقای فتح الله محمدی یکی از دوستان وی با هم برای ثبت نام به کمیته برازجان مراجعه نمودند و پس از پشت سر گذاشتن مراحل قانونی کار جز کادر کمیته انقلاب اسلامی برازجان در آمدند و در همین زمانی که چند صباحی از انقلاب نگذشته بود جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شروع گردید و حدود چهار ماه از خدمتش نگذشته بود که از طرف کمیته مأموریت یافت که با عده ای از دوستان خود یعنی فتح الله محمدی، حسینقلی فرخی و مسلم حاجی زاده به جبهه های حق علیه باطل بروند و قبل از عزیمت به جبهه در روستای سربست کمکهای مردمی را جمع آوری می کردند

و تحویل مقامات مسئول می دادند که برای رزمندگان جبهه ها بفرستند تا اینکه خود هم اعزام به جبهه گردید
واقعاً آن شب که آمد به منزل و برای پدر و مادرش و اقوام و هم ولایتی های خود جریان مأموریت را گفت آن
شب واقعاً به یاد ماندنی است و تا صبح مردم دور و بر او بودند و صبح زود با خداحافظی از پدر و مادر و اقوام
برای عزیمت به جبهه به برازجان رفت و همان روز اعزام شدند و پس از چند روز که در جبهه حق علیه باطل با
صدامیان جنگیدند و در روز بیست و دوم دیماه سال ۱۳۵۹ در جبهه خرمشهر درنبرد و رویارو با دشمن بعثی
جاویدالآثر گردید یاد و نام او گرامی باد . اینک فرازهایی از وصیت نامه ی شهید را به عرض می رسانم :

اکنون که کفر جهانی در قالب صدام و بعثیان خدا شناسی بر اسلام اصیل حمله آورده اند . آیا می شود در خانه
ماند و از راه گوش و چشم شنید و نگاه کرد . در این زمان که ابرقدرتها جهانی و یزیدیان زمان بر فرزند پاک
حسین (ع) یعنی امام امت خمینی عزیز این پا به استوار و مقاوم یورش آورده اند آیا راهی جز حرکت کردن و
جان را نثار دوست کردن راه دومی هم وجود دارد ؟ هرگز

من باتوجه به این هدف والا و با داشته عشق به الله و آگاهی کاملی که در این انتخاب راهم را شهادت است ترجیح
می دهم راه شهیدان را ادامه دهم تا به فیض شهادت برسم و شما ای پدر و مادر عزیز بدانید که فرزند شما با امام
از مکتب حسین (ع) و یارانش این راه را برگزیده و از شما می خواهم که اگر به فیض شهادت نائل آمدم مثل کوه
استوار و مقاوم باشید که خداوند صابران را دوست دارد .

در خاتمه باید قدر و منزلت این شهیدان را بدانیم و یک لحظه یاد از آنها غافل نشویم و یاد و خاطره ی آنها را
گرامی بداریم و برتمام ما و وارثان خون شهیدان واجب است فرهنگ غنی ایثار و شهادت را در جامعه اسلامی
گسترش داد و درخت تنومند انقلاب اسلامی را که با خون بهترین جوانان این مملکت رشد کرده است و در سایه
رهبری نایب ولی عصر (عج) حضرت آیت الله العظمی خامنه ای که خود جلوه ای از استقامت و ایثار است پاسداری
نمائیم %

والسلام به تاریخ ۷/۲/۸۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران